

بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی  
و رفتار جرأت‌مندانه در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم

**Investigating the relationship between attachment style and parenting style  
of parents with social adjustment and daring behavior in first  
and second high school students**

**Mahsa Moezi Wesal**

Master of Clinical Psychology, Kermanshah Branch,  
Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

**Saeed Jameh Shoorani**

Department of Psychology, Kermanshah Branch,  
Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Email: razirazi1402@gmail.com

**مهسا معزی وصال**

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد  
اسلامی، کرمانشاه، ایران.

**سعید جامه شورانی\***

گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه،  
ایران

**Abstract**

The purpose of this research is to investigate the relationship between attachment style and parenting style of parents with social adjustment and daring behavior in first and second high school students. The current research is correlational in terms of its practical purpose and in terms of its implementation method. The statistical population of the present study included all the students of the first and second secondary level in Kermanshah city in 2023-2024. In order to select the sample size based on Morgan's formula, 269 students of the first and second secondary level were selected as a sample by random cluster sampling method, and they used Collins and Reed's (1990) attachment style questionnaires, Sohrabi's social adjustment questionnaire. and Samani (1390), Baumrind's parenting methods questionnaire (1973) and Kotler and Kiora's standard assertiveness questionnaire answered. The results were analyzed using Pearson's correlation coefficient and multivariate regression analysis. The results showed that attachment styles and parenting styles can predict social adjustment and daring behavior in teenagers. Therefore, the results of the current

**چکیده**

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جرأت‌مندانه در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرای آن همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. جهت انتخاب حجم نمونه بر اساس فرمول مورگان تعداد ۲۶۹ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم به عنوان نمونه و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)، پرسشنامه سازگاری اجتماعی سه‌رابی و سامانی (۱۳۹۰)، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) و پرسشنامه استاندارد جرات‌ورزی کاتلر و کیورا پاسخ دادند. نتایج با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره تحلیل شد. نتایج نشان داد سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری توان پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و رفتار جرأت‌مندانه در نوجوانان را دارند. بنابراین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مورد توجه سازمان آموزش و پرورش، دانش‌آموزان و والدین واقع شود.

**واژه‌های کلیدی:** سبک دلبستگی، سبک فرزندپروری والدین، research can be of interest to the education organization, students and parents.

**Keywords:** attachment style, parents' parenting style, social adaptation, daring behavior, students.

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: آذر ۱۴۰۳

پذیرش: بهمن ۱۴۰۳

### مقدمه

دوران کودکی هر فردی از تأثیرگذارترین دوران زندگی او می‌باشد. همه مکاتب روان‌شناسی و علوم وابسته به آن بر نقش مهم و سرنوشت‌ساز این مرحله در چگونگی پیریزی مراحل بعدی زندگی تأکید کرده‌اند. یکی از مراحل مهم این دوران کودکی است. کودکان در حدود هفت‌سالگی حل مسائل به‌صورت ذهنی را شروع خواهند کرد و در این جریان از راهبردهای شناختی سود می‌برند که پیش‌ازاین آن‌ها را مورد استفاده قرار نمی‌دادند. کودکان در این محدوده سنی می‌توانند با مشکلات مقابله نمایند و نقطه‌نظرهای دیگران را در نظر بگیرند و به برقراری روابط پیچیده بیندیشند. این دوره از لحاظ رشد اجتماعی و سازگاری اجتماعی کودک و همچنین رفتار جراتمندانه در آینده آن‌چنان مهم است که باید آن را دوره اصلاح و تصحیح رفتار کودکان نامید (ساجدی، ۱۳۷۹). سازگاری شامل رفتار مفید و مؤثر در تطبیق با محیط فیزیکی و روانی به‌گونه‌ای که تنها با تغییرات محیطی هم‌رنگی نکرده و به پیروی ناهشیار از آن کفایت نمی‌کند بلکه خود نیز می‌تواند در محیط اثر بگذارد و آن را به روشی مناسب تغییر دهد (جعفری، ۱۳۹۰). البته رشد اجتماعی و سازگاری اجتماعی کودکان به سازگاری بین والدین و کودکان بستگی دارد و این سازگاری علاوه بر سازگاری اجتماعی و اجتماعی بر جنبه‌های دیگر زندگی تأثیر می‌گذارد، از جمله در عزت‌سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندانه آنان. در واقع عزت‌سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندانه هسته مرکزی ساختارهای روان‌شناختی فرد است که وی را در برابر اضطراب محافظت نموده و آسایش خاطر وی را بوجود می‌آورد و یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد مطلوب شخصیت کودکان است. عزت‌سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندانه عبارت است از ارزشیابی فرد درباره خود و یا قضاوت‌های شخصی در مورد ارزش خود. به‌عبارت‌دیگر عزت‌سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندانه از سوی دیگر یکی از سازوکارهای اساسی شخصیت هر فرد به سمت خودشکوفایی است. همچنین علاوه بر نحوه برخوردها و سازگاری خانواده با کودکان، سبک‌های دل‌بستگی و فرزند پروری آنان نیز بر عزت‌سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندانه کودکان تأثیر دارد. سبک‌های دل‌بستگی و فرزند پروری را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها دانست که سازگاری والد فرزند را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و فرزند پروری بادوامی را به وجود می‌آورد (علیزاده و اندرایس، ۲۰۰۴؛ برک، ۲۰۰۷). آموزش فرزندپروری مثبت به والدین برای وقت کافی صرف کردن و داشتن روابط صمیمی با کودک و توجه و تقویت مناسب رفتار کودک و نه صرفاً توجه و تنبیه رفتار منفی کودک، باعث تقویت کیفیت روابط والد و کودک می‌شود و میزان پاسخ مثبت عاطفی در روابط آنها را افزایش می‌دهد (داوودی، بساک و زارع زادگان، ۲۰۱۲). سبک‌های فرزند پروری<sup>۱</sup> "مجموعه‌ای از رفتار والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزند پروری پایداری را پدید می‌آورند" (برک لورا، ۱۳۸۷: ۴۸۰). بامریند<sup>۲</sup> در مطالعات خود سه ویژگی رومشخص می‌کند که روش مؤثر را از روش نه‌چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌کند. این سه ویژگی عبارتند از: (۱) پذیرش و روابط نزدیک، (۲) کنترل و (۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی سه سبک فرزندپروری مشخص

<sup>1</sup> Child rearing style

<sup>2</sup> Berk Laura

<sup>3</sup> Bamrind

می‌شود: مقتدرانه<sup>۴</sup>، مستبدانه<sup>۵</sup>، و سهل‌گیرانه<sup>۶</sup>. سبک مستبدانه از مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود.

نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین می‌باشد. و والدین با سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیست و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیاز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵).

طرح دلبستگی نخستین بار توسط بالبی در زمینه رشد کودکان به کار رفت و توسط آینسورث<sup>۸</sup> قابل بهره برداری شد توسط هازن و شیور<sup>۹</sup> در سال ۱۹۸۷ در سه گروه دلبستگی ایمن<sup>۱۰</sup>، دوسوگرا<sup>۱۱</sup> و اجتنابی<sup>۱۲</sup> و برای روابط دلبستگی بزرگسالان دنبال شد (دیتاماسو، برانن-مک نولتی، راس و برگس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۳). در اصطلاح نظریه کلاسیک دلبستگی، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن آن گروه از افراد هستند که نسبت به خود و دیگران نگرش مثبت دارند، در ارتباطات شان متعهد هستند و در روابط صمیمانه احساس راحتی می‌کنند (میکولینسر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۰).

و در وابسته شدن به دیگران و وابسته شدن دیگران به خود مشکلات کمی دارند. این افراد از ویژگی احساس راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط بین فردی برخوردارند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷).

بزرگسالان دارای سبک دلبستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند (کالینز<sup>۱۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). این افراد دچار اختلاف بین نیاز قوی خود برای روابط نزدیک و صمیمانه از یک طرف و احساس ناامنی از پاسخگویی دیگران به نیازهای خود و احتمال طرد شدن از سوی دیگران هستند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). همینطور کمتر به داشتن دیدگاه مثبتی در مورد خودشان تمایل دارند. این سبک با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط همراه با خشنودی کم ارتباط دارد (مورلی و موران<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۱). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی دارای ویژگی هراس از نزدیکی و صمیمیت هستند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). و اصلاً خواهان نزدیکی هیجانی نبوده و خودمختاری را ترجیح می‌دهند (رگس دال و براندا<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۶). آنها خودشان را بصورت خودبسنده می‌بینند. افراد دارای این سبک مانع آسب پذیری می‌شوند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و میل به اجتناب از صمیمیت دارند (ویردن و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۸).

علاوه بر دلبستگی، چهارچوب اساسی دیگری که پیش‌بینی‌کننده روابط صمیمانه در بزرگسالی می‌باشد شیوه‌های فرزند پروری<sup>۱۹</sup> است. روانشناسان از دهه ۱۹۲۰ به بعد مشتاق به تحقیق در زمینه شیوه‌های فرزندپروری بودند. یکی از قوی‌ترین رویکردها در این زمینه، مطالعه ای بود که توسط بامریند<sup>۲۰</sup> در سال ۱۹۶۰ در این زمینه صورت گرفت. او معتقد بود که شیوه‌های

<sup>4</sup> Authoritative

<sup>5</sup> Authoritarian

<sup>6</sup> Permissive

<sup>7</sup> Diaz

<sup>8</sup> Ainsworth

<sup>9</sup> Hazan & Shaver

<sup>10</sup> Secure

<sup>11</sup> Ambivalent

<sup>12</sup> Avoidant

<sup>13</sup> Ditommaso, Brannen- MC Nulty, Rass & Burgess

<sup>14</sup> Mikulincer

<sup>15</sup> Colins & et al.

<sup>16</sup> Morley & Moran

<sup>17</sup> Ragsdal & Brandau

<sup>18</sup> Wearden & et al.

<sup>19</sup> Parenting style

<sup>20</sup> Baumrind

بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جرأت‌مندانه در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم

فرزندپروری از دو بعد تشکیل شده است: درخواست‌کنندگی والدین<sup>۲۱</sup> (کنترل) و پاسخ‌دهندگی والدین<sup>۲۲</sup> (گرمی یا پذیرش). بامریند از مجموعه این دو عنصر سه شیوهی فرزندپروری بوجود آورد که عبارتند از شیوهی فرزندپروری مقتدر<sup>۲۳</sup> (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی بالا)، شیوه فرزندپروری مستبد<sup>۲۴</sup> (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی پایین) و شیوه فرزندپروری آزاد گذار<sup>۲۵</sup> (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی بالا). در سال ۱۹۸۳ بامریند شیوه چهارمی به عنوان شیوه فرزندپروری بی توجه یا مسامحه کار<sup>۲۶</sup> (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی پایین) را اضافه کرد (به نقل از لیزا و گرین<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فرزندپروری مقتدرانه مجموعه‌ای از مهارگری حمایت‌عاطفی بالا، سطح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو-سویه میان کودک و والد مشخص می‌شود (رینالدی و هاو<sup>۲۸</sup>، ۲۰۱۱). این والدین، کودکان شان را بوسیله ابزار کلامی و جسمانی حمایت می‌کنند، آنها از کودکانشان با محبت و روابط نزدیک مراقبت خواهند کرد و انتظارشان با توانایی‌های کودکانشان سازگاری دارد (آندر و گولای<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۹). فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط ناپایدار و سخت‌گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌شود (دیاز<sup>۳۰</sup>، ۲۰۰۵). والدین مستبد سطح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ‌دهی را اعمال می‌کنند. آنها از فرزندان خود انتظار پیروی داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی فرزندان خود را تنبیه می‌کنند (صیاد شیرازی، ۱۳۸۳). این والدین پیروی کردن و کنترل را مورد تأکید قرار می‌دهند و از بده بستان کلامی، خودمختاری و استقلال جلوگیری می‌کند (گولان<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۹). فرزندپروری آزادگذار با کمبود مهار والدینی به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار والدین با شکست مواجه می‌شود و با میل به تن دادن به خواست‌های کودک مشخص می‌شود (رینالدی و هاو، ۲۰۱۱). والدین سهل‌گیر اصلاً کنترلی بر کودکان خود ندارند و این‌گونه کودکان کمترین میزان اعتماد به نفس، کنجکاو و خودکنترلی را در هر گروهی از خود نشان می‌دهند و در کنترل تکانه و تشخیص ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها مشکل دارند (برنشتاین<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۲؛ کوریدو، وارنر و ایبرگ<sup>۳۳</sup>، ۲۰۰۲). این والدین نسبت به رفتار کودک، گرم و پذیرا هستند و از حداقل تنبیه استفاده می‌کنند (هیل استروم<sup>۳۴</sup>، ۲۰۰۹). همچنین در عین صبر، پذیرش و گرمی، خواسته‌های کم‌یاهیچ‌خواسته‌ای در مورد رفتار یا خود تنظیمی ندارند (گولان، ۲۰۰۹). در فرزندپروری مسامحه‌کار، والدین در پاسخ‌دهی و سخت‌گیری در سطح پایینی قرار داشته و طردکنند یا مسامحه‌کننده‌اند. آنها خود را در تربیت بچه‌ها درگیر نمی‌کنند و به نظر می‌رسد که مراقبتی بر روی بچه‌ها ندارند و حتی امکان دارد آنها راه‌گز نپذیرند (علیزاده و یاری، ۱۳۸۵). امروزه یکی از اصلی‌ترین ابعاد زندگی در دوره‌های مختلف سنی، به ویژه دوره نوجوانی، روابط اجتماعی و تعامل فرد با دیگران است (یان، بوئن، اسپارپ و هریس، ۲۰۱۶). ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی یکی از مشکلات عمده‌ای است که اثر بازدارنده و مهمی بر کارآمدی و پویایی جوانان و نوجوانان دارد و از شکل‌گیری سالم هویت و شکوفایی استعدادها و قوای فکری و عاطفی در آن جلوگیری می‌کند (بشیرپور، سلیمی، فرحبخش، ۲۰۱۳). بررسی سوابق پژوهشی مرتبط به دوران رشد کودک، دوحوزه کلیدی فرزندپروری، حساسیت و نفوذ مادرانه را برای سازگاری طولانی مدت بسیار مهم تشخیص داده است (کسیدی، ۲۰۰۸؛ زوارا،

<sup>21</sup> Parental demandingness

<sup>22</sup> Parental responsiveness

<sup>23</sup> Authoritative

<sup>24</sup> Authoritarian

<sup>25</sup> Permissive

<sup>26</sup> Neglecting

<sup>27</sup> Lisa & Green

<sup>28</sup> Rinaldi & Howe

<sup>29</sup> Onder & Gulay

<sup>30</sup> Diaz

<sup>31</sup> Goplan

<sup>32</sup> Bornstein

<sup>33</sup> Gorido & et al

<sup>34</sup> Hillstrom

لاترن، میلز-کونس<sup>۳۵</sup>، ۲۰۲۰). یکی از متغیرهایی که در نحوه رفتار مادر نسبت به کودک اهمیت خاصی دارد، سبک دلبستگی مادر است. سبک دلبستگی مادری می‌تواند کیفیت رفتارهای مراقبتی را پیش بینی کند و تاثیر مهمی روی رشد کودک و ایفای نقش مادری داشته باشد. همچنین در تنظیم احساساتش برای پاسخگویی بهینه و نیازهای کودک اثر می‌گذارد (جونز، برت، اهرلیک و همکاران<sup>۳۶</sup>، ۲۰۱۴).

کودکان و نوجوانان از طریق کسب مهارت‌های اجتماعی مهمی مانند همکاری، سازش، ارتباط و دوست یابی به درون گروه همسالان خود راه یافته پایه و اصل زندگی اجتماعی خود را تشکیل می‌دهند (استوارت<sup>۳۷</sup> و سندین<sup>۳۸</sup>، ۱۹۹۵). جرات ورزی<sup>۳۹</sup> قلب رفتار میان فردی و کلید روابط انسانی است (لین<sup>۴۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). و در شکوفایی استعدادها و رشد خلاقیت دانش آموزان نقشی موثر ایفا می‌کند (حکمتی، ۱۳۸۱). به طوریکه آلبرتی<sup>۴۱</sup> و امونز<sup>۴۲</sup> (۱۹۷۷). جرات ورزی را مهارت در برقراری ارتباط میان فردی تعریف می‌کند. برنامه آموزش جرات ورزی به این منظور طرح ریزی می‌شود تا عقاید و رفتارهای جرات مندانه افراد را بهبود بخشد به طوریکه آنها بتوانند با دیدی بهتر به خود بنگرند، به "خود اعتمادی" برسند، به طورشایسته عواطف و تفکرات فردی خود را نشان دهند و در نتیجه روابط میان فردی موثرتری با دیگران برقرار نمایند (آلبرتی و امونز، ۲۰۰۱). لاندازابل<sup>۴۳</sup>، ۲۰۰۱ وستون<sup>۴۴</sup> و ونت<sup>۴۵</sup> (۱۹۹۹). تیلور<sup>۴۶</sup> (۱۹۹۵) آموزش جرات ورزی را تکنیکی می‌داند که افراد از طریق آن می‌آموزند که چگونه آرام باشند و در موقعیتهای متفاوت اجتماعی به طور مناسب و خوشایند ارتباط برقرار سازند. به عقیده راکز<sup>۴۷</sup> (۱۹۹۱) جرات ورزی یک مداخله اولیه و اصلی برای سازگاری با دنیای جدید و مطابق با نیازهای مردم در محیط ناپایدار و پر هرج و مرج امروزی می‌باشد. این یافته ها نشان می‌دهد که سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری اثر قابل توجهی بر سازگاری اجتماعی و رفتار پرخاشگرانه کودکان دارد و در این مطالعه ما به دنبال جواب این سوال هستیم که آیا بین سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جرات‌مندانه در نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرای آن همبستگی است که با هدف تعیین رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جرات‌مندانه در دانش آموزان متوسطه اول و دوم انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول و دوم شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند. جهت انتخاب حجم نمونه بر اساس فرمول مورگان تعداد ۲۶۹ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه اول و دوم به عنوان نمونه و به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند.

<sup>35</sup> Zvara, B. J., Lathren, C., Mills- Koonce, R.

<sup>36</sup> Jones, J. D., Brett, B. E., Ehrlich, K. B., Lejuez, C. W. & et al.

<sup>37</sup> Stuart

<sup>38</sup> Sundeen

<sup>39</sup> assertiveness

<sup>40</sup> Lin

<sup>41</sup> Alberti

<sup>42</sup> Emmons

<sup>43</sup> Landazabal

<sup>44</sup> Weston

<sup>45</sup> Went

<sup>46</sup> Taylor

<sup>47</sup> Rakes

بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جرأت‌مندانه در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم

## ابزار پژوهش

**پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰):** این مقیاس شامل خود‌ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود‌توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ گویه می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از؛ به هیچ‌وجه با خصوصیات من تطابق ندارد: (۱)، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد: (۵)، تشکیل می‌گردد، سنجیده می‌شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است مشخص می‌شود، ۳ زیر مقیاس عبارتند از: وابستگی (D): میزانی را که آزمودنی‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آنها متکی می‌شوند به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل دسترسی‌اند، اندازه‌گیری می‌کند. نزدیک بودن (C): میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند. اضطراب (A): ترس از داشتن رابطه را می‌سنجد (مالینکرودت و همکاران، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). کولینز و رید (۱۹۹۰، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فنی و نولر، ۱۹۹۶) بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید (RAAS) براساس زمینه‌یابی انجام شده ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شده است (به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). براساس دستورالعمل پرسشنامه، ۶ ماده مربوط به هر زیر مقیاس مشخص می‌شود با توجه به اینکه در مورد هر جمله در پاسخنامه، آزمودنی علامت خود را روی کدام دایره زده است نمره وی برای هر زیر مقیاس مشخص می‌شود. برای گزینه‌های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۰ تا ۴ در نظر گرفته می‌شود. کولینز و رید (۱۹۹۰، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۰ و ۰/۸۳ گزارش دادند. توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمودن مجدد بصورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که بطور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

**پرسشنامه سازگاری اجتماعی:** این پرسشنامه ۱۵ سوالی توسط سهرابی و سامانی (۱۳۹۰) در قالب پنج عامل شخصی، اجتماعی، تحصیلی، شغلی و خانوادگی به صورت ۸ امتیازی بر مبنای مقیاس لیکرت تنظیم گردیده است. ضریب آلفای این عوامل به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۸۳، ۰/۸۲، ۰/۷۰ و ۰/۸۲ گزارش شده است. سهرابی و سامانی (۱۳۹۰) ضریب پایایی آزمون رو از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند، همچنین هاشم زاده و همکاران (۱۳۹۲) ضریب پایایی این آزمون را ۰/۸۸ محاسبه کرده‌اند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد.

**پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند:** پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزندپروری بامریند که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. جمله‌های شماره ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۶، ۱ به شیوه‌ی سهل‌گیرانه و جمله‌های شماره‌های ۲۹، ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱، ۲۵، ۲۶ به شیوه‌ی استبدادی و جمله‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ به شیوه‌ی قاطع و اطمینان

بخش مربوط می‌باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می‌آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است بوری (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش ((اقتراقی)) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری (( $r=0/38$ ) و اقتدار منطقی (( $r=0/48$ ) دارد. و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت (( $r=0/7$ ) مهرافروز، ۱۳۷۸). بوری (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش ((باز آزمایی)) استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین ((ثبات درونی)) را با استفاده از فرمول ((آلفای کرونباخ)) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل‌گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرافروز، ۱۳۷۸). در انستیتو روان پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی (۲ نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر روان‌پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان‌شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند دارای روایی (اعتبار) صوری است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

**پرسشنامه استاندارد جرات ورزشی کاتلر و کیورا:** پرسشنامه استاندارد جرات ورزشی دارای ۲۰ سوال بوده که توسط کاتلر و کیورا طراحی و تنظیم شده است و هدف از این پرسشنامه سنجش و بررسی جرات ورزشی افراد می‌باشد که بر اساس طیف لیکرت (از هرگز تا اکثر مواقع) نمره گذاری شده است و به صورت تک مولفه ای می‌باشد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد.

## یافته‌ها

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون کالموگراف اسمیرنف

مقدار و سطح معنی‌داری آزمون		
سطح معنی‌داری	کالموگراف اسمیرنف	
۰/۶۵۴	۰/۲۳۳	دلبستگی ایمن
۰/۲۰۰	۰/۹۲۸	دلبستگی ناایمن اجتنابی
۰/۱۲۹	۰/۷۶۶	دلبستگی ناایمن اضطرابی
۰/۳۴۲	۰/۸۲۳	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه
۰/۲۰۰	۰/۹۶۵	سبک فرزندپروری استبدادی
۰/۲۶۵	۰/۸۱۷	سبک فرزندپروری مقتدرانه
۰/۳۱۵	۰/۷۵۴	سازگاری اجتماعی
۰/۲۰۰	۰/۹۷۳	جرات ورزشی

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، آزمون کالموگراف اسمیرنف برای تمامی متغیرها در سطح  $P < 0/01$  معنادار نمی‌باشد. بنابراین توزیع متغیرهای مذکور از نرمال بودن تبعیت می‌کند.

بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم

جدول ۲ همبستگی بین سبک‌های دلبستگی با سازگاری اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین سبک‌های دلبستگی با سازگاری اجتماعی

متغیر	۱	۲	۳	۴
دلبستگی ایمن	۱			
دلبستگی نایمن اضطرابی	-۰/۵۳۸	۱		
دلبستگی نایمن اجتنابی	۰/۰۰۱	۰/۳۵۱	۱	
سازگاری اجتماعی	-۰/۱۵۷	۰/۰۰۱	۰/۰۱۰	۱
	۰/۲۹۷	-۰/۲۳۳	-۰/۰۰۷	
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۹۱۲	

نتایج جدول نشان داد که بین دلبستگی ایمن با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. بین دلبستگی نایمن اضطرابی با سازگاری اجتماعی همبستگی منفی و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین دلبستگی نایمن اجتنابی با سازگاری اجتماعی همبستگی معناداری وجود ندارد. جدول ۳: همبستگی بین سبک‌های دلبستگی با رفتار جراتمندان را نشان می‌دهد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین سبک‌های دلبستگی با رفتار جراتمندان

متغیر	۱	۲	۳	۴
دلبستگی ایمن	۱			
دلبستگی نایمن اضطرابی	-۰/۵۳۸	۱		
دلبستگی نایمن اجتنابی	۰/۰۰۱	۰/۳۵۱	۱	
جرات ورزی	-۰/۱۵۷	۰/۰۰۱	۰/۰۱۰	۱
	۰/۳۶۲	-۰/۵۶۱	-۰/۲۳۱	
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	

نتایج جدول نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی نایمن با جرات ورزی همبستگی منفی و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین دلبستگی ایمن با جرات ورزی همبستگی مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد.

جدول ۴: همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری با سازگاری اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: ماتریس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری با سازگاری اجتماعی

متغیر	۱	۲	۳	۴
سبک سهل‌گیر	۱			
سبک استبدادی	-۰/۴۰۱	۱		
سبک مقتدرانه	۰/۰۰۱	-۰/۳۳۸	۱	
	-۰/۵۰۵			



	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۱	۰/۲۲۳	-۰/۰۲۰
	۰/۰۰۱	۰/۴۰۱
		۰/۰۴۷

**سازگاری اجتماعی**

نتایج جدول نشان داد که بین سازگاری اجتماعی با سبک فرزند پروری سهل گیر همبستگی منفی و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد.

جدول ۵: همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری با سازگاری اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۵ ماتریس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری با رفتار جراتمندانه

متغیر	۱	۲	۳	۴
سبک سهل گیر	۱			
سبک استبدادی	-۰/۴۰۱	۱		
سبک مقتدرانه	۰/۰۰۱	-۰/۳۳۸	۱	
جرات ورزی	-۰/۳۵۰	-۰/۱۷۰	۰/۲۴۷	۱
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

نتایج جدول نشان داد که بین جرات ورزی با سبک فرزند پروری سهل گیر و استبدادی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با جرات ورزی همبستگی مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. جهت پیش بینی سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندانه براساس سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۶: خلاصه مدل رگرسیون برای پیش بینی سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندانه براساس سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری

گام ها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین چندگانه	ضریب تبیین چندگانه تعدیل شده	خطای معیار برآورد
گام اول: دلبستگی ایمن	۰/۲۹۷	۰/۰۸۸	۰/۰۸۵	۲/۶۲
گام دوم: دلبستگی ایمن، فرزندپروری سهل گیر	۰/۳۹۶	۰/۱۵۷	۰/۱۵۰	۲/۵۳
گام سوم: دلبستگی ایمن، فرزندپروری سهل گیر، دلبستگی اضطرابی	۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	۰/۱۶۸	۲/۵۰
گام چهارم: دلبستگی ایمن، فرزندپروری سهل گیر، دلبستگی اضطرابی، فرزندپروری مقتدرانه	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۰/۱۸۰	۲/۴۸

بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم

در جدول ۶ خلاصه مدل ارائه شده است. در گام اول ضریب تبیین برابر با ۰/۰۸۸ بدست آمده است نتیجه گرفته می‌شود که ۰/۰۸۸ واریانس نمرات سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان براساس تحمل دلبستگی ایمن تبیین است. در گام دوم ضریب تبیین برابر ۰/۱۵۷ بدست آمده است نتیجه گرفته می‌شود ۰/۱۶ واریانس نمرات سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان براساس دلبستگی ایمن و فرزندپروری سهل گیر قابل تبیین است. در گام سوم ضریب تبیین برابر با ۰/۱۷۷ بدست آمده است نتیجه گرفته می‌شود ۰/۱۸ از واریانس نمرات سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان براساس دلبستگی ایمن، فرزندپروری سهل گیرانه و دلبستگی اضطرابی قابل تبیین است. در گام چهارم ضریب تبیین برابر با ۰/۱۹۲ بدست آمده است نتیجه گرفته می‌شود که ۰/۱۹ واریانس نمرات سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان براساس دلبستگی ایمن، فرزندپروری سهل گیرانه، دلبستگی اضطرابی و فرزندپروری مقتدرانه قابل تبیین است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم بود. نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم رابطه معناداری وجود دارد که همسو با نتایج پژوهش‌های کشاورز (۱۴۰۲)، محمد پور (۱۴۰۲)، احمدنیا و غنی پور (۱۴۰۱)، فارسی جانی و همکاران (۱۴۰۱)، نظامی و آزموده (۱۳۹۸)، قربانیان و همکاران (۱۳۹۵)، ممینی نیا (۱۳۹۳)، آقاییوسفی و همکاران (۱۳۹۴)، صبری و همکاران (۱۳۹۳)، امانی و همکاران (۱۳۹۱)، واحدی و مرادی (۱۳۸۸)، باربیتو و همکاران (۲۰۲۴)، ژو و همکاران (۲۰۲۳) بود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت تلاش روزمره همه انسان‌ها عموماً بر محور سازگاری دور می‌زند، یک فرد زمانی از سازگاری بهره‌مند است که بتواند میان خود و محیط اجتماعی رابطه‌ای سالم برقرار کند. محیط اجتماعی شامل خانواده، محل کسب و کار، مدرسه، دانشگاه و امثال آن‌ها می‌باشد. یکی از عوامل موثر و مهم در رشد و تکامل انسان خانواده است. نگرش‌ها و رفتارهای والدین می‌تواند در جریان رشد و تکامل استقلال و سازگاری فرزندان تسهیل کننده یا مانع باشد. از آنجا که سازگاری اجتماعی فرد را قادر می‌سازد تا از راه اصلاح محیط و یا از راه اصلاح رفتار خودش به ایجاد تعادل بین خود و محیط بپردازد (ابطهی و ندری، ۱۳۹۰). گاهی به لحاظ بروز عوامل تنش‌زا، سازگاری انسان دچار اشکال شده به بروز رفتارهای ناسازگار منجر می‌شوند. بنابراین سازگاری، مجموعه کنش‌ها و رفتارهایی است که فرد در موقعیت‌ها و شرایط جدید به منظور ارائه پاسخ‌های مناسب به محرک‌های موجود از خود بروز می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات اجتماعی امروزه در جوامع گوناگون، نا بهنجاری‌های رفتاری و روانی و روش‌های مقابله با آن‌هاست، تردیدی نیست که در مسئله بهداشت روانی، سازگاری روز به روز، بیشتر اهمیت می‌یابد. از آنجا که سازگاری می‌تواند واجد طیف گسترده‌ای باشد و ابعادی مانند اجتماع، خانواده، عواطف، شغل، بهداشت و ازدواج را شامل شود، برخی از صاحب‌نظران، سازگاری اجتماعی را رأس سایر ابعاد تلقی می‌کنند. محیط اجتماعی شامل خانواده، محل کسب و کار، مدرسه، دانشگاه و امثال آنها می‌باشد. یکی از عوامل موثر و مهم در رشد و تکامل انسان خانواده است. نگرش‌ها و رفتارهای والدین می‌تواند در جریان رشد و تکامل استقلال و سازگاری فرزندان تسهیل کننده یا مانع باشد (عرفانی فر، ۱۳۹۷). دلبستگی، رابطه هیجانی خاصی است که مستلزم تبادل لذت، مراقبت و آسایش است. طبق مبانی نظری دلبستگی بالبی، دلبستگی ایمن، اساس ایمنی را برای افراد مهیا می‌سازد که به واسطه آن می‌توانند دنیایشان را کشف کرده، پاسخ‌های سازگارانه تری به محیط اطرافشان ارائه بدهند؛ وجود چنین اساس ایمنی، افراد را به اکتشاف و گشودگی شناختی نسبت به اطلاعات جدید تشویق می‌کند بر این اساس دلبستگی ایمن اعتماد به نفس لازم را برای ریسک کردن، آموختن و به روز کردن مستمر مدل‌های خود، دیگران و دنیا را فراهم می‌سازد. اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اساسی افراد ایمن به

حساب می‌آیند. از آنجا که اعتماد به خود به عنوان یکی از مبانی درون روانی فرد دلبسته ایمن است، به وی این توانایی را می‌بخشد که در روابط میان فردی؛ با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتر به تعامل بپردازد؛ از سوی دیگر اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود است نیز، وی را در جلب کمک دیگران یاری می‌کند؛ بنابراین، سازگاری فرد با بافت‌های جدید را تسهیل می‌کند. هر انسانی می‌کوشد تا خود را با محیط فیزیکی و روانیشان سازگار کند، زیرا انطباق با شرایط مختلف، از سلامت روانی آدمی حکایت دارد؛ البته این سازگاری به معنای همرنگی و پیروی ناهشیار نیست بلکه می‌تواند دگرگونی را نیز به همراه داشته باشد (عرفانی فر، ۱۳۹۷)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین سبک‌های دلبستگی با سازگاری اجتماعی نوجوانان رابطه وجود دارد.

همچنین نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی ناایمن با جرات ورزی همبستگی منفی و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین دلبستگی ایمن با جرات ورزی همبستگی مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. بالبی بیان می‌کند که روابط کودک با مراقبان (مادر یا جانشین مادر) در سال‌های اولیه زندگی به تشکیل الگوهای روانی خاصی منجر می‌شود که مبنای روابط بین فردی در بزرگسالی است. دلبستگی، رابطه هیجانی خاصی است مستلزم تبادل لذت، مراقبت و آسایش است. طبق مبانی نظری دلبستگی بالبی، دلبستگی ایمن، اساس ایمنی را برای افراد میامی سازد که به واسطه آن می‌توانند دنیای‌شان را کشف کرده، پاسخ‌های جراتمندانه تری به محیط اطرافشان ارائه بدهند؛ وجود چنین اشخاص ایمنی، افراد را به اکتشاف و گشودگی شناختی نسبت به اطلاعات جدید، تشویق می‌کند بر این اساس دلبستگی ایمن اعتماد به نفس را برای ریسک کردن، آموختن و به روز کردن مستمر مدل‌های خود، دیگران و دنیا را فراهم می‌سازد. اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اساسی افراد ایمن به حساب می‌آیند. از آنجا که اعتماد به خود به عنوان یکی از مبانی درون روانی فرد دلبسته ایمن است، به وی این توانایی را می‌بخشد که در روابط میان فردی؛ با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتر به تعامل بپردازد؛ از سوی دیگر اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود است نیز، وی را در جلب کمک دیگران یاری می‌کند؛ بنابراین، جراتمندی فرد با بافت‌های جدید را تسهیل می‌کند.

همچنین نتایج نشان داد که بین سازگاری اجتماعی با سبک فرزند پروری سهل گیر همبستگی منفی و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد که همسو با نتایج پژوهش‌های محمد پور (۱۴۰۲)، نظامی و آزموده (۱۳۹۸) و ژو و همکاران (۲۰۲۳) بود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت والدین به عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در تحول روانی و اجتماعی کودکان و ارضای نیازهای روانی آن‌ها دارند و سبک فرزندپروری آنها انگیزش تحصیلی دانش آموزان را تسهیل می‌کنند. تجربه روابط ایمن و پایدار با والدین و تربیت در فضایی آرام و منظم برای رفاه روانی و اجتماعی شدن کودک ضروری است. آنها کنترل حرارت کم و زیاد را اعمال می‌کنند. هر یک از روش‌های فرزندپروری پیامدهای متفاوتی دارد. روش‌های فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش در دوران کودکی باعث می‌شود کودکان سرزنده، شاداب، عزت نفس و خودکنترلی بالا باشند. این روش باعث باعث می‌شود در دوران نوجوانی شجاعت و موفقیت بالایی از خود نشان دهند. سبک فرزند پروری مستبدانه در دوران کودکی باعث می‌شود کودک مضطرب، ناراضی و ناسازگار بزرگ شود. سبک فرزندپروری بی دقت نیز باعث می‌شود که کودک تکانشی، نافرمان، سرکش و مورد انتظار و وابسته در مدرسه عملکرد ضعیفی از خود نشان دهند. سبک فرزندپروری سهل گیرانه با عدم کنترل والدین و پاسخگویی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. والدین سهل گیر سعی می‌کنند محیطی گرم، آرام و دلپذیر برای فرزندان خود ایجاد کنند، اما بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند. والدینی که از سبک فرزندپروری سهل گیرانه استفاده می‌کنند از قوانین ناپایدار یا بدون ساختار استفاده می‌کنند (ابراهیمی و همکاران، ۲۰۱۷؛ محمدی سیف و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌های بود از جمله اینکه پژوهش حاضر منحصر در شهر کرمانشاه انجام گرفته است، لذا تعمیم آن به دیگر شهرهای کشور باید با احتیاط کامل صورت گیرد. تنها منبع جمع آوری

بررسی رابطه سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی و رفتار جراتمندان در دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم

اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه بود که جنبه خودگزارشی دارد. به همین دلیل ممکن است در اطلاعات به دست آمده سوگیری تک روشی ایجاد شده باشد. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در شهرها و استان‌های دیگر و با فرهنگ‌های مختلف نیز انجام شود تا بتوان از این طریق قابلیت تعمیم نتایج را افزایش داد. داده‌های مطالعه حاضر با استفاده از ابزارهای خودگزارش دهی به دست آمده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های دیگری نیز جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شود. پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره تحصیلی، کارگاه‌ها و سمینارهایی در زمینه بهبود رفتار جراتمندان و سازگاری اجتماعی برگزار کرد تا دانش‌آموزان بتوانند با بهره‌گیری از آن‌ها، نگرشی مناسب و منطقی به رفتار جراتمندان و سازگاری اجتماعی پیدا کنند. در کلاس‌های و برنامه‌های آموزشی مدرسه که اغلب در مراکز مشاوره و کارگاه‌ها توسط روان‌شناسان، مشاوران و سایر دست‌اندرکاران مراکز اجرا می‌شود، بحث سازگاری اجتماعی و سبک‌های دلبستگی و نقش آن در رفتار جراتمندان و سازگاری اجتماعی گنجانده شود.

## منابع

- [1] Baumrind, D. (2012). Differentiating between confrontive and coercive kinds of parental power-assertive disciplinary practices. *Human Development, 55*(2), 35-51. doi: 10.1159/000337962.
- [2] Barbeito S, Gómez-Juncal R, Vega P, et al. Attachment styles and associated psychosocial factors in patients at ultra-high risk for psychosis: A systematic review. *International Journal of Social Psychiatry. 2024;0*(0). doi:10.1177/00207640231224661
- [3] COPY CITATION
- [4] Boele, S., Denissen, J., Moopen, N. et al. Over-time Fluctuations in Parenting and Adolescent Adaptation Within Families: A Systematic Review. *Adolescent Res Rev 5, 317–339 (2020)*. <https://doi.org/10.1007/s40894-019-00127-9>
- [5] Bowlby, J.A. Ainsworth, (1991). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. New York: Basic Books. Bowlby's theory.
- [6] Bowlby, J.A. (1969). *Attachment and Loss: Vol. 1, Attachment*. NY: Basic Books.
- [7] Bowlby, J.A. (1973). *Attachment and Loss: Separation*. NY: Basic Books.
- [8] Bowlby, J.A. (1980). *Attachment and Loss: Sadness and depression*. NY: Basic Books .
- [9] Brose, L.A. , Rye, M. S., Zois, C. L., & Ross, S. R (2005). Foriveness and Personality traits. *Personality and Individual Difference, 39* (1),35-46
- [10] Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Normal personality assessment in clinical practice: The NEO personality inventory, psychological assessment. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 7*, 5-13.
- [11] Coolins, N. L. & Read, S. J. (1990). Adult attachment working models and relationship quality in dating couplels. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*, 644 – 663.
- [12] Corcoran M, McNulty M. (2018). Examining the role of attachment in the relationship between childhood adversity, psychological distress and subjective wellbeing, *Child Abuse & Neglect, 76*; 297-309.
- [13] Dubels,D.(2010).2-year Longitudinal Study among 159 students in grades four to six. *Journal of marriage and ite family.56*(7),287-313.
- [14] Linen Brink, E.A & Pintrich, P.R,(2002). motivation as enabler of academic success, *School Psychology Review.31*,313-327.
- [15] line,N.(2010).Assessment of anger control training on personal and social adjustment in Nursing and medical students, *journal of consulting development , 44*(77),34-50.
- [16] Mikulincer, M., (2011). The role of attachment security in adolescent and adult close relationships. In: *The first draft of a chapter for simpson & campell oxford handbook close relationships*.
- [17] Mikulincer, M., & Shaver, P.R. (2005). Attachment, care giving, and altruism: Boosting attachment security increases compassion and helping. *Journal of personality and social psychology. 89*, 817-839 .
- [18] Mikulincer, M., & Shaver, P.R. (2007). *Attachment in adulthood: structure, dynamics and change*. NY: Guilford.
- [19] Musich,S., Wang,S. S.,Kraemer,S.,Hawkins,K. (2017). Purpose in life and positive health outcomes among older adults. *Journal of population health management, 12*(34),76-85.
- [20] Santrock, J. W. (2011a). *Child development (13th edition)*. New York: McGraw-Hill.
- [21] Santrock, J. W. (2011b). *Life span development (13th edition)*. New York: McGraw-Hill.
- [22] Xu, C., Yan, W. Negative parenting styles and social adjustment of university students: a moderated chain mediation model. *Curr Psychol 42, 27719–27732 (2023)*. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-03809-1>